

بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری

ابراهیم هادی^۱

دکتر عباس ماهیار^۲

چکیده

تصوف چیست؟ در صبر آرمیدن طمع از جمله‌ی عالم بریدن
(الهی نامه/ ب) (۲۸۳۴)

به علت نقش مهمی که صبر در تکامل معنوی و اجتماعی بشر بر عهده دارد خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم درباره آن صحبت کرده و در اوضاع و احوال گوناگون فردی و اجتماعی بشر را به داشتن صبر فرا خوانده است.

به نظر متصوفه صبر در عرفان و تصوف که دریافته عمیق و ژرف از احکام الهی قرآن است بسیار مهم شمرده می شود و در ادبیات عرفانی بازتاب وسیع و گسترده‌ای داشته است. وی در این منظمه‌ها اسرار سیر و سلوک را در قالب رمز و نماد و گاهی حکایات و تمثیل‌های متعدد بیان کرده است.

در بینش عطار صبر در سیر و سلوک نقش بنیادی و اساسی را بر عهده دارد و با شکوفا کردن نیروها و قدرت‌های الهی نهفته در روح موجب می شود که انسان از تنگنای هستی محدود خود رها شود و به هستی نامحدود و مطلق پیوند بخورد.

در این مقاله سعی نگارنده بر آن است که با استناد به آثار برجسته عطار از جمله دیوان اشعار، منطق الطیر، الهی نامه اسرارنامه، مصیبت نامه و مختارنامه اهمیت و نقش صبر را در سیر الی الله از دید این عارف بزرگ بیان کند.

واژه‌های کلیدی: صبر، طلب، عشق، فقر، تجلی.

۱ - دانش آموخته‌ی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲ - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

مقدمه

صبر یکی از واژه‌هایی است که به طور مکرر در قرآن کریم به کار رفته و به علت نقش بسیار مهم و اساسی که در تکامل فردی و اجتماعی بشر به عهده دارد، خداوند در بیش از هفتاد آیه آن را مطرح کرده است.

معنی واژه صبر: راغب اصفهانی درباره مفهوم لغت صبر می گوید: «صبر به معنی در تنگنا نگه داشتن است و وقتی گفته می شود صبرت الدائب یعنی حبس کردم چهارپا را بدون علف یا بدون اینکه بتواند علف بخورد و صبرت فلاتا یعنی زندانی کردم او را به طوری که راه خروجی نداشته باشد و صبر، نگه داشتن نفس است بر آنچه عقل و شرع آن را اقتضا کند و یا بازداشت نفس است از آنچه عقل و شرع بازداشت از آن را اقتضا کند (المفردات فی غرایب القرآن / ص ۲۷۳).

خواجه نصیر الدین طوسی درباره لغات صبر می گوید: «صبر در لغت حبس نفس است از جزء به وقت وقوع مکروه و لابد آن منع باطن باشد از اضطراب و بازداشت زبان از شکایت و نگاه داشتن اعضا از حرکات غیر معتاد» (الوصاف الاشراف / ص ۴۱). و امام محمد غزالی در کتاب معروف احیاء علوم الدين درباره صبر و اهمیت آن از لحاظ دین و عرفان بحث گسترده و مفصلی دارد. وی در تعریف صبر می گوید: «صبر عبارت است از پایداری و ثبات لشکری در مقابل لشکر دیگری که به علت تضاد بین خواسته ها و تمایلاتشان با یکدیگر به درگیری و جنگ پرداخته اند....پس باید این صفتی را که در پرتو آن انسان در سرکوبی شهوت و غلبه بر آنها از حیوانات متمایز می شود، انگیزه دینی و شهوت طلبی را انگیزه نفسانی نامید و باید دانست که بین این دو انگیزه جنگ و درگیری جریان دارد و صحنه این جنگ قلب انسان است. یاری دهنده‌گان انگیزه‌ی دینی از ملائکه ای هستند که به حزب خدایاری می‌رسانند، در حالی که یاری دهنده‌گان انگیزه نفسانی، از شیطان‌هایی هستند که دشمنان خداوند

را یاری می دهند. پس صبر عبارت است از پایداری انگیزه‌ی دین در مقابله با انگیزه‌ی شهوت، چنانچه انگیزه‌ی دینی در انسان ثابت و راسخ شود و بر انگیزه‌ی شهوت غلبه نماید و به طور مستمر با خواسته‌های شهوانی مبارزه کند، چنین انسانی در زمره‌ی صابرین، خداوند را یاری می دهد و اگر انگیزه‌ی دینی در انسان ضعیف و پست شود به طوری که انگیزه‌ی شهوانی بر آن غلبه کند و انسان به دفع شهوت صبر ننماید از زمره‌ی پیروان شیطان خواهد بود، بنابراین ترک اعمالی که نیروی شهوانی انسان تمایل به انجام آن دارد منجر به وجود حالتی در او می گردد که صبر نامیده می شود...
 (احیاء علوم الدین/ج ۱، ص ۹۳).

صبر از دیدگاه قرآن و حدیث

با توجه به تأمل در آیات قرآن و با توجه به تعاریف مفسران از صبر می توان گفت: صبر به معنی استقامت و پایداری در برابر تمامی علل و عواملی است که انسان را از رسیدن به کمالی که خداوند بشر را برای آن خلق کرده باز می دارند.

صبر در قرآن انواع مختلفی دارد، ولی معمولاً صبر را به سه نوع کلی تقسیم می کنند که عبارت است از: ۱- صبر در برابر گناه و معصیت ۲- صبر در برابر سختیهای عبادت ۳- صبر در برابر مصائب

۱- صبر در برابر گناه و معصیت: در قرآن آیات متعددی وجود دارد که خداوند انسان را به صبر و استقامت در مقابل گناه و معصیت فرا می خواند، خداوند در سوره یوسف آیه ۹۰ می فرماید: *قَالُوا إِنَّكَ لَا تَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيغُ أَجَرَ الْمُحْسِنِينَ*.

ابوالفتح رازی در تفسیر این آیه گفته است: «هر کس که او متقدی باشد و از معاصی پرهیزد و واجبات بگذارد و صبر کند از محارم (فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيغُ أَجَرَ الْمُحْسِنِينَ)

خدای تعالی رنج نیکوکاران را ضایع نکند و مزد ایشان بدهد...» (روح الجنان و روح الجنان/ج، ۶، ص ۴۳۴).

۲- صبر در عبارت و واداشتن نفس به تحمل مشقت و سختی آن: خداوند در آیات متعددی پیامبر و مؤمنین را در برابر سختیهای عبادت به صبر دعوت می‌کند، از جمله در آیه ۶۷ سوره مریم می‌فرماید: *رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ عِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّاً.*

در تفسیر کشف الاسرار میدی، در تفسیر این آیه چنین آمده است: «صبر کن بر عبادتش دلیل است برآنکه عبادت سخت و خسته کننده است و ملال آور و مؤمن بر صبر برآن امر شده است، زیرا صبر مقرون به سختی و ناخوشایند است» (کشف الاسرار/ج، ۶، ص ۷۶).

۳- صبر در برابر مصائب و رویدادهای سخت: خداوند در بعضی آیات قرآن مسلمانان را در برابر حوادث و رویدادهای سخت همانند مرگ عزیزان، از دست رفتن اموال و دارایی، و پیش آمدن حوادثی که قلبها را از خوف لبریز می‌کند و گرسنگی و فقر را به همراه می‌آورد و به صبر و پایداری فرا می‌خواند (از جمله در آیه ۱۵۱ سوره بقره می‌فرماید: *وَلَنَبُلوَنُكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ.*

به طور کلی از دیدگاه قرآن صبر عامل هر نوع تکاملی است که در زندگی فردی یا اجتماعی بشر به وجود می‌آید و به همین دلیل خداوند می‌فرماید: *إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ* (انفال/بخشی از آیه ۴۹).

به علت نقش مهمی که صبر در رشد و تعالی انسان بر عهده دارد پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام درباره آن فراوان سخن گفته اند و صبر را یکی از اركان مهم ایمان و گاهی برابر با کل ایمان دانسته اند، از جمله اینکه پیامبر می‌فرماید: «الایمان

نصفان نصف صبر و نصف شکر، یعنی ایمان دو نیمه است یک نیمه صبر است و یک

نیمه شکر» (تحف العقول عن آل الرسول/ص ۴۸)

و حضرت علی(ع) می فرماید: و عَلَيْكُمْ بِالصَّبَرِ، فَإِنَّ الصَّبَرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ
مِنَ الْجَسَدِ، وَ لَا خَيْرٌ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِي إِيمَانٍ لَا صَبَرَ مَعَهُ(نهج البلاغه/ص
۴۸۲).

صبر از دیدگاه عرفان و تصوف

به علت نقش اساسی و بنیادی که صبر در سیر و سلوک بر عهده دارد، عرفان در کتب خود درباره آن فراوان بحث کرده اند و در تعلیمات خود در مورد آن بسیار تأکید ورزیده اند. بخشهایی از کتب مهم صوفیه از جمله التعرف لمذهب اهل التصوف، قوت القلوب، ترجمه رساله قشیریه، احیاء علوم الدين، و التصوفیه فی احوال التصوف، قوت القلوب، ترجمه رساله قشیریه، احیاء علوم الدين، و التصوفیه فی احوال المتتصوفه و غیره به صبر اختصاص دارد و مؤلفان این کتب با استناد به آیات متعددی از قرآن و احادیث پیامبر و آوردن روایات و حکایات زیاد اهمیت و نقش صبر را در تکامل روحی و معنوی انسان بیان کرده اند.

در کتاب اسرار التوحید از قول شیخ ابوسعید ابوالخیر آمده است: «لَا يَصِلُ الْمُخْلوقُ
إِلَى الْمُخْلوقِ إِلَّا بِالسَّيِّرِ إِلَيْهِ وَ لَا يَصِلُ الْمُخْلوقُ إِلَى الْخَالقِ إِلَّا بِالصَّبَرِ عَلَيْهِ وَ صَبَرَ عَلَيْهِ
يُقْتَلُ النَّفْسُ وَ الْهَوْيُ...» (اسرار التوحید/ج ۱، ص ۲۴۰).

و در تذکرة الاولیاء از قول ابوعلی جوزجانی آمده است: «هر که ملازمت کند بر درگاه مولی، بعد از ملازمت چه بود جز در گشادن؟ و هر که صبر کند به خدای؛ بعد از صبر چه بود جز وصول به حق؟» (تذکره الاولیاء/ص ۵۶۳).

به علت آیات فراوانی که خداوند در قرآن پیامبر را به صبر فرامی خواند و

همچنین به علت نقش مهمی که صبر در سیر الی الله بر عهده دارد، صوفیه آن را یکی از مقامات مهم عرفانی می‌دانند که به پیامبر اکرم اختصاص دارد. در شرح تعریف آمده است «و صبر مقامی بزرگ باشد و خدا مصطفی را علیه السلام صبر فرمود و گفت: «اصبر و ما صبرک الا بالله» (التعرف لمذهب التصوف/ج ۳، ص ۱۲۲۷).

متن

در بیش عطار نیز همانند عرفای دیگر صبر رمز و راز موفقیت در تمامی مراحل سیر و سلوک است و نقش اساسی و بنیادی را در سیر الی الله بر عهده دارد. او معتقد است انسان به وسیله صبر می‌تواند از حد محدود خود رها شود و به بی‌نهایت بودن و مطلق شدن برسد.

عالی در عالمی می‌باید
تنگ دل ماندی که دل یک قطره خون است
صبر صد عالم همی می‌باید
تا که این یک قطره صد دریا شود
در حضور او دمی می‌باید
هر دو عالم گر نباشد گو مباش
(دیوان اشعار، ص ۱۲)

در بیش عطار گنجیه معرفت حق بر اثر صبر و استقامت در برابر رنجها و سختیها به دست می‌آید.

تابه کام خویش فردا کامرانی باشد
کام و ناکام این زمان در کام خود در هم شکن
روزکی چندی چو مردان صبر کن در رنج و غم
تا که بعد از رنج گنج شایگانی باشد
(همان، ص ۱۳)

صبر و سکوت

صوفیه معتقدند اگر عارف تمام قوای درونی و باطنی خود را متوجه حق کند و در برابر تمایل نفس خود به سخن گفتن صبر کند، زبان روح او باز می‌شود و اسرار و

رموز عالم غیب را بیان می کند. سکوت که بسیاری از بزرگان صوفیه در تعلیمات خود درباره آن تأکید کرده اند دارای سرچشمه و منشاً قرآنی است.

نجم الدین کبری گوید: «چون زکریا-صلوات الله عليه- یحیی را از حضرت ربویت خواست او را سه شب از روزه خاموشی فرمودند. قال الله تعالیٰ -الّا تكَلِّمُ النَّاسُ ثَلَثَةُ أَيَّامٍ الْأَرْمَزَا فَنَطَقَ يَحِيَّ وَ هُوَ صَبِّيٌّ بَسٌ يَحِيَّ- علیه السلام- به سخن درآمد در حال طفویلت، بعد نیست که چون تو خاموشی اختیار کنی و فضول کلام بگذاری قلب تو که طفل راه طریقت است با تو در سخن آید و چون پروردگار- جلت قدرته و علت کلمته- خواست که عیسی مريم را-صلوات الله عليه- در حال طفویلت به سخن گفتن آرد، مادر او را به خاموشی اشارت کرد، فقال-عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: «فَقُولِي أَنِّي نَذَرْتُ لِرَحْمَنِ صُومًا-أَيْ صَمْتًا-فَلَنْ أَكُلَّ الْيَوْمَ أَنْسِيَا» فی الجمله هرگاه که زبان می گوید دل می شنود و هرگاه که زبان خاموش شد، دل آنگاه در نطق آید.» (الهائم الخائف من لومه اللائم/ص ۱۸ و ۱۹).

عطار نیز به پیروی از نجم الدین کبری در آثار خود نسبت به صبر و سکوت بسیار تأکید می ورزد و آن دو را بهترین راه برای وصول به حق می دارد.

چو نشانسی سر مویی ز اسرار
به نادانی چه گردی گرد این کار
تو را خاموشی و صبر است راهی
نخواهی یافت به زین دستگاهی
مکن با سر این معنی دلیری
که چون موری شوی گر نزه شیری
(اسرار نامه/ب ۳۱۳۴-۳۱۳۵)

عطار برای سلوک در طریق حق آن قدر به صبر و سکوت اهمیت می دهد که صبر را برابر با طریقت و سکوت را برابر با حقیقت می داند.

زبان در کام کش وز جوش بنشین	بدان این جمله و خاموش بنشین
خاموشی پیشه گیر اینک حقیقت	صبوری پیشه کن اینک طریقت
(همان، ب ۳۱۳۴-۳۱۳۵)	

در بینش عطار راز و رمز رسیدن به نهایت کمال، سکوت و صبر است.

گر سر کار می طلبی صبر کن خموش
تا صبر و خاموشیت رساند به متها
(دیوان اشعار/ص ۷۰۲)

عطار معتقد است فروتنی، سکوت و همیشه به خداوند اندیشیدن و صبر و ثبات
بر آنها موجب می شود که انسان به حق پیوندد و دائما با او مصاحب و همراه باشد.

چنان خواهم که همچون خاک گردی
چو خاک راه خواهی شد از این پس
فروتن شو خموشی گیر پیشه
تو را می صبر باید کرد حاصل
صبوری کن ز حق اندیش پیوست
گرت باید به هر دم تازه جانی
مگر در زیر پای پاک گردی
بدين هر دو صبوری کن همیشه
که گفت الصبر مفتاح قلایل
که با حق باشی و با خویش پیوست
فرو مگذار یاد او زمانی
(اسرار نامه/ب ۳۱۷۵-۳۱۷۰)

صبر و مقام طلب

در منظومه منطق الطیر عطار در قالب داستان نمادین پرندگانی که به جست وجوی
پادشاه خود سیمرغ می روند رمز و راز سیر به سوی خدا و رسیدن به حقیقت مطلق
جهان را بیان می کند. عطار در این داستان در نماد و رمز هدده ظاهر می شود و با
سالکان طریقت همراهی می کند تا راز گذشتن از هفت وادی را به آنان تعلیم بدهد.
او در اولین وادی یعنی وادی طلب که در بینش عطار اولین مقام عرفانی است از این
راز پنهان برده بر می دارد و آن را افشا می کند. عطار می گوید: در طلب باید درد در تو
باشد و هم انتشار و اگر این دو نتوانند تو را به مقصود برساند در این هر دو صبر کن
تا صبر تو را به جایی برساند. پس در بینش عطار صبر راز موفقیت در طلب و رسیدن

به مطلوب است چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: و الدین صبرو ابتغاء وجه ریهم
و اقاموا الصلوة و انفقوا مما رزقناهم سرّا و علانية و يدرؤن بالحسنة السيبة او لئک لهم
عقبی الدار. (رعد/ آیه ۲۳)

تا در این هر دو برآید روزگار	درد باید در ره او انتظار
سر مکش زنهار از این اسرار باز	ور در این هر دو نیابی کار باز
صبر خود کی باشد اهل درد را	در طلب صبری بباید مرد را
بوک جایی راه یابی از کسی	صبر کن گر خواهی و گرن، بسی

(منطق الطیر/ ب ۳۲۹۸-۳۲۹۵)

وی سپس تمثیلی را بیان می کند و می گوید: سالک همانند آن طفلی که در شکم
است باید تنها بنشیند و خلوت اختیار کند و از آنچه مربوط به عالم بیرون است منقطع
شود و با تمام قوا متوجه درون و باطن خود باشد و همانند آن جنین که خون می
خورد رنجها و سختیهای ریاضت را تحمل کند و شجاعانه صبر و استقامت کند تا از
زندان تن و تنگنای عالم طبیعت رها بشود و به فراخنای عالم الهی برسد.

همچون آن طفلی که باشد در شکم	همچنان با خود نشین با خود به هم
از درون خود مشو بیرون دمی	نانت اگر باید همی خون خوردمی
قوت آن طفل شکم خون است بس	وین همه سودا ز بیرون است بس
خون خور و در صبر بنشین مردوار	تابرآید کار تو از دست کار

(منطق الطیر/ ب ۳۳۰۲-۳۲۹۹)

عطار برای تعلیم دادن صبر و انتظار در طلب حق حکایت دیگری را نقل می کند
و می گوید: شیخ ابوسعید ابوالخیر در یک قبضی عظیم بود با دل پریشان و پرخون
به صحرارفت پیری را دید که گاو خود را می بست در حالی که نور از سرایای وی
فرو می ریخت. ابوسعید سلام کرد و حال قبض خود را برایش گفت. پیر به او جواب

داد: ای بوسعید اگر از زمین تا عرش را به جای یک بار صد بار پر ارزن کنند و پرنده‌ای هر هزار سال یک دانه برچیند تا تمام شود با گذشت این همه سال اگر جان از درگاه حق بویی نبرده باشد. آن هنوز زود باشد عطار در پایان داستان می‌گوید: طلب کننده حق باید صابر باشد، آن هنوز زود باشد عطار در پایان داستان می‌گوید: طلب کننده حق باید صابر باشد، اما هر کسی توان صبر کردن را ندارد چون صبر در این راه بسیار سخت و طاقت فرساست.

طالب صابر نه افتاد هر کسی	طالبان را صبر می‌باید بسی
مشک در نافه ز خون ناید پدید	تا طلب در اندرون ناید پدید

(همان/ب ۳۳۱۲-۳۳۱۱)

عطار در تمامی منظومه منطق الطیر در حقیقت رمز و راز صبر و ثبات در سیر الی الله را بیان می‌کند. او در این داستان می‌گوید: پرنده‌گان زیادی (رمز و نماد سالکان و طالبان حق) برای جست وجوی سیمرغ (حق) قدم در راه طلب نهادند و تعداد آنان آنقدر زیاد بود که مانع تابش نور خورشید به زمین می‌شد، اما آنها یکی که در برابر رنجها و سختیهای مبارزه با نفس و تعلقات نفسانی نتوانستند صبر و مقاومت کنند به تدریج از راه بازماندند و فقط سی پرنده مجرروح و پرکنده که بر انواع رنجها و سختیها صبر کرده بودند توانستند خود را از مهلکه هوهای نفسانی و تعلقات دنایی رهایی دهنند و با گذشتن از هفت وادی (رمز هفت مقام عرفانی) به آستان سیمرغ (حق) برسند.

بی دل و بی صبر و بی جان مانده اید	چون شما سی مرغ حیران مانده اید
زانک سیمرغ حقیقی گوهریم	ما به سیمرغی بسی اولی تریم
تا به ما در خویش را یابید باز	محو ما گردید در صد عز و ناز
سایه در خورشید گم شد والسلام	محو او گشتند آخر بر دوام

(منطق الطیر، ب ۴۲۵۹-۴۲۵۶)

صبر و مقام فقر

یکی از انواع صبر در قرآن صبر بر فقر است. خداوند در آیات متعددی حضرت پیامبر و مؤمنین را در برابر رنج و سختی تهدیستی و فقر به صبر فرا می خواند. از جمله اینکه خداوند در سوره بقره آیه ۱۷۷ می فرماید: لِيَسَ الْبَرُّ أَنْ تَوَلَّوْا وَجْهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكُنَّ الْبَرُّ مَنْ أَمْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ..... وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ إِلَّا كُلُّ الَّذِينَ صَدَقُوا وَإِلَّا كُلُّ هُمْ مُتَّقُونَ.

ابوالفتح رازی در تفسیر این آیه گوید: «گفت آنان که صبر کنند (فی الْبَاسَاءِ) ای فی الفقر و الجوع و سوء الحال یعنی بر درویشی و تنگدستی و گرسنگی...» (روح الجنان و رُوحُ الْجَنَانِ/ج ۲، ص ۲۸).

ابوالفتح رازی صبر بر فقر را جهاد با نفس و جهاد با شیطان می داند و گوید: «اما صبر بر فقر هم از جمله جهاد است جهاد با نفس و جهاد با شیطان، اما نفس مطالبه می کند او را به شهوت و اما شیطان امر کند او را به غوایات چون دست بر هر دو فشاند جهاد کرده باشد و در حکایات الصالحین هست که فتح موصلى شبی در خانه درآمد نه نان بود و نه آب و نه چراغ. نماز بکرد و سر بر زمین نهاد در سجده و شکر کرد و گریستن گرفت و می گفت بار خدایا مرا به بی طعامی ابتلا کردی و در تاریکی بی چراغ بنشاندی بار خدایا این درجه به کدام عمل یافتم و من خویشن را این پایه نمی دانم که تو با من این کنی که این پایه اولیاست و من این پایه ندارم...» (همان، ج ۲، ص ۲۸) و همچنین خداوند در آیه ۷۶ سوره فرقان می فرماید: «إِلَّا كُلُّكُمْ يَجزُونَ عَرْفَةً بِمَا صَبَرُوْ وَ يَلْقَوْنَ فِيهَا تَحْيَةً وَ سَلَامًا». ابوالفتح در تفسیر این آیه گوید: «باقر علیه السلام گفت بما صبرو علی الفقر، به آن صبر که کردند بر درویشی...» (همان، ج ۸ ص ۳۱۸).

فقر و صبر بر آن در بینش عرفانی عطار جایگاهی بسیار والا بلندی دارد وی در

۲۶۰

تمامی آثار خود درباره فقر و نقش آن در متجلی کردن صفات و قدرتهای الهی در روح و پیوند دادن انسان با مبدأ جهان هستی صحبت کرده است، قسمتهای اعظمی از منظومه‌های الهی نامه، اسرارنامه، و مصیبیت نامه در نکوهش دنیا و ستودن فقر است. وی نظریات عرفانی خود را درباره فقر و صبر بر آن در قالب حکایات، داستانها و روایات و تمثیل‌های فراوانی تجسم بخشیده است.

در بینش عطار فقر به معنی از گمراهی راهی به سوی حق یافتن و گذشتن از نعمت‌ها و تمتعات دنیوی و اخروی است.

فقر چیست؟ از گمراهی ره کردن است وز دو عالم دست کوتاه کردن است
(مصطفیت نامه/ص ۴۵)

عطار معتقد است فقر در سیر الى الله و واصل شدن به معبد رکنی مهم و اساسی به شمار می‌آید.

فقردار داصل محکم هر چه دیگر هیچ‌نیست گر قدم در فقر چون مردان کنی محکم رواست
(دیوان اشعار/ص ۲۴)

در بینش او صبر در فقر آن قدر با اهمیت و مهم تلقی می‌شود که در معنی تصوف می‌گوید:

تصوف چیست؟ در صبر آرمیدن طمع از جمله عالم بربیدن
(الهی نامه/ب ۲۸۳۴)

بنابراین تصوف عطار بر فقر و صبر بر آن پایه ریزی شده است. چنانکه قبل اگفته شد وی درباره فقر و نقش آن در سیر الى الله روایات و حکایات زیادی نقل کرده است. بینش عطار درباره فقر و استفاده نکردن از نعمت‌های دنیوی و لذایذ مادی و نقش آن در سیر و سلوک و قرب الى الله در حکایت رابعه تبلور بیشتری یافته است. عطار در الهی هنامه می‌گوید: رابعه صاحب مقامات یک هفتة دائمًا به نماز و روزه

مشغول بود و هیچ طعام نخورده بود گرسنگی اعضاش را در هم فشرده و خرد کرده بود. زنی مستوره برایش کاسه ای غذا آورد. از قضا رابعه به طلب چراغ رفت و گربه کاسه طعام را به زمین ریخت. خواست با آب افطار کند چراغ خاموش شد و در تاریکی کوزه آب از دستش به زمین افتاد و شکست. رابعه با حالت سرگشتگی و پریشان حالی بسیار گفت خداوندا از من چه می خواهی؟ خداوند به او گفت ای رابعه اگر تو بخواهی از ما تا ماهی را به تو می بخشم، اما اندوه عشق چندین ساله را از دلت بیرون می کنم.

<p>که گفتی گشت عالم آتش افروز از این بیچاره مسکین چه خواهی به خون در چند گرданی مرا تو به تو بخشم از مه تا به ماهی ز دل بیرون بریمت این بیندیش نیاید راست در یک دل به صد سال مدامت ترک دنیا باد پیشه تو را تا هست این یک روی آن نیست که اندوه الهی رایگان نیست</p>	<p>ز دل آهی برآورده آن جگرسوز به صد سرگشتگی می گفت الهی فکندي در پریشانی مرا تو خطاب آمد که گر این لحظه خواهی ولی اندوه چندین ساله خویش که اندوه من و دنیای محتاب گرت اندوه ما باید همیشه</p>
--	---

(الهی نامه/ب ۳۱۳۶-۳۱۲۹)

عطار از این داستان نتیجه گیری می کند و می گوید: کسانی که در مقابل تمایل نفس خود به دنیا صبر و استقامت می کنند، خداوند آتش عشق و محبت خود را در قلب آنان شعله ور می کند تا از تنگنای جهان مادی و وجود نفسانی رها شوند و به سوی آسمان بیکرانه عالم الهی عروج کنند.

صبر و مقام عشق

در بینش عطار عشق یعنی سوز و گذاز، یعنی اشک و آه یعنی درد و رنج، فراق و هجران کشیدن و صبر کردن بر آن. عطار معتقد است اشک ریختن در هجران و فراق معشوق و صبر بر آن موجب تعالی و کمال عشق می‌شود و همانند ابری به گل عشق طراوت و زیبایی می‌بخشد و بستان دل عاشق را سرسیز و شکوفا می‌کند.

علاج عشق اشک و صبر باید	گل ار چه تازه باشد ابر باید
خوشی عاشقان از اشک و صبر است	همه سرسبزی بستان ز ابر است
اگر عاشق نماندی در جدایی	نبودی عشق را هرگز روایی
اگر معشوق آسان دست دادی	کجا این لذت پیوست دادی
اگر در عشق نبود انتظاری	نمناند رونق معشوق باری
دمی در انتظار همدم دل	بسی خوش تربود از ملک حاصل

(اسرار نامه/ب (۵۹۶-۵۹۱)

عطار در منطق الطیر در قالب داستانهای متعدد و گوناگون از جمله داستان ایاز و محمود و مرد مفلس و گدایی که عاشق ایاز شده بود نظریات و اندیشه‌های خود را درباره عشق بیان می‌کند. در این داستان سلطان محمود از مرد مفلس می‌پرسد، چگونه ادعای هم پیالگی با مرا داری؟ مرد مفلس می‌گوید: ساز و برگ وصال داشتن و لذت وصال معشوق را چشیدن شرط عشق نیست، بلکه افلاس و تهییدستی نشانه عشق است همانند گویی به دنبال معشوق دویدن و سرگردان بودن نمک عشق است و به آن شور و حال می‌بخشد. عطار در این داستان از زبان مرد مفلس می‌گوید: مرد عشق کسی است که در هجران باشد و بتواند بر درد و رنج هجران و فراق معشوق صبر و پایداری کند.

رند گفتش گر گدا گویی ام عشق بازی را ز تو کمتر نی ام

<p>هست این سرمایه سرمایگی عشق مفلس را سزد بی هیچ شک عشق را باید چو من دلسوخته صبر کن در درد هجران یک نفس هجر را گر مرد عشقی پای دار</p>	<p>عشق و افلاس است در همسایگی عشق از افلاس می گیرد نمک تو جهان داری دلی افروخته ساز وصل است این چه تو داری و بس وصل را چندین چه سازی کار و بار</p>
---	--

(منطق الطیر/ب ۳۴۰۲-۳۳۹۷)

چنانکه قبل‌گفته شد مسلک عرفانی عطار عاشقانه است. او در همه آثار خود به خصوص در دیوان اشعار درباره عشق و نقش آن در سیر و سلوک سخن گفته است. در منطق الطیر عشق بعد از طلب و دومین مقام عرفانی است، در بینش عطار صبر در عشق و استقامت در برابر رنجها و سختیهای آن موجب می‌شود که عارف به علم یقین برسد.

در این مقام حجاب‌های مادی و نفسانی از مقابل چشم روح عارف کنار زده می‌شود و از طریق مکافه روحانی از عالم غیب و رمز و رازهای نهفته و پنهان آفرینش آگاهی یابد.

شوشکاه علم اسلامی و مطالعات فرهنگی

<p>بی تو نفسی به هر دو عالم زنده بنمانم ار بمانم</p>	<p>مانند قلم به سر دوانم تاعلم یقین شود عیانم</p>
--	---

(دیوان اشعار/ص ۴۵۷)

ابوالفضل رشید الدین مبیدی در تقسیم بندی و معین کردن انواع صبر در تفسیر آیه ۱۴۹ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: **بِاِيَّهَا الَّذِينَ امْنَوْا وَ اسْتَعْنُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَوةِ** انَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَمی گوید: صبر بر بلا صبر عاشقان است. محبان و عاشقان بر بلای معشوق صبر می‌کنند و این صبر موجب می‌شود به علم فراست برستند. «وَ بِرَذْوَقِ

علم صبر سه قسم است بر ترتیب اصبروا و صابرها و رابطوا، اصبروا صبر بر بلاست، صابرها صبر از معصیت و رابطور صبر بر طاعت، صبر بر بلا صبر محبان است، صبر از معصیت صبر خائفان است، صبر بر طاعت صبر راجیان است، محبان صبر کنند بر بلا تا به نو فرات است رسند، خائفان صبر کنند از معصیت تا به نور عصمت رسند، راجیان صبر کنند بر طاعت تا به انس خلوت رسند.» (کشف الاسرار/ج ۱، ص ۴۲۲ و ۴۲۱).

علم فرات است یعنی دین نهانی‌ها و یا اطلاع بر امور غیبی، در ترجمه رساله قشیریه آمده است «کسی را پرسیدند از فرات است گفت: ارواح اندر ملکوت می‌گردد او را اشرف بود بر معانی غیوب، از اسرار خلق سخن گوید همچنانک از معاینه بیند که در او شک نبود، کنانی گوید: «فرات مکاشفه یقین بود و معاینه غیبت و آن از مقام‌های ایمان است» (رساله قشیریه/ص ۳۶۸ و ۳۷۰).

همچنین مبتدی در تفسیر آیه ۱۰ سوره مزمُّل که خداوند به پیامبر می‌فرماید: و اصبر على ما يقولون و اهجرهم هجرا جمیلامی گوید: خداوند در آیات متعددی پیامبر را به صبر فرا می‌خواند چون صبر پادزهر بلا و نشانه دوستی و محبت است.

ولقد نعلم انکه یضيق صدرک بما یقولون فاصبر صبرا جمیلا فاصبر كما صبر اولو العزم من الرَّسْلُو اصبر لحكم ربک فانک باعیننا چند جایگاه در قرآن آن مهتر عالم را صبر فرود زیار که تریاق زهر بلا صبر است و نشانه اهل محبت و لا صبر است...» (کشف الاسرار/ج ۳، ص ۷۲۹).

عطار در منظومه مصیبت نامه در تعریف صبر می‌گوید:

صبر چیست، آتش مزاجی داشتن سوختن، مردن، همه بگذاشتن
 (مصطفیت نامه/ص ۴۳)

در بینش عطار صبر یعنی همانند آتش سوختن و شعله ور شدن، مردن در راه عشق و ترک کردن همه چیز، کلام عطار صحنه بر دار کشیده شدن، شهادت و سوخته شدن

منصور حلاج را در ذهن تداعی می کند، عطار در شرح حال منصور حلاج در تذکرہ الاولیا می گوید: «و پرسیدند از صبر گفت آن است که دست و پای او ببرند و از دار آویزند» (تذکرہ الاولیاء/ص ۵۸۹) وی سپس می گوید: «و عجب آنکه این همه با او بکردند» (همان، ۵۸۹) در بینش هر دو عارف صبر یک مفهوم دارد، مردن در راه عشق، بنابراین وقتی عطار در آثار خود از منصور حلاج، از صحنه بر دار کشیده شدن او، از سوختن و خاکستر شدنش و به طور کلی از جان افسانی برای معشوق سخن می گوید در حقیقت راز صبر در عشق را افشا می کند و به تصویر می کشد.

دلادر سر عشق از سر میندیش
بده جان و ز جان دیگر میندیش

چو سر در کار و جان در یار بازی
خوشی خویش از این خوش تر میندیش

مقام رخانه رندان طلب کن
سر اندر باز و از افسر میندیش

چو سر در باختی بشناختی سر
چو سر بشناختی از سر میندیش

چو آن حلاج بر کش پنه از گوش
هم از دار و هم از منبر میندیش

اگر عشقت بسوزد بر سر دار
دهد بر باد خاکستر میندیش

(دیوان اشعار/ص ۳۶۲)

صبر در بینش عطار رنگ و بوی حماسی دارد، به عبارت دیگر صبر در بینش عطار هم با عرفان پیوند دارد و هم با حماسه چرا که به معنی شهادت است و شهادت اوج وحدت و اتحاد بین عرفان و حماسه است.

عطار در اشعار پر سوز و گذاز خود عاشقانه از مردن در راه معشوق و شهادت در عشق صحبت می کند و شهادت را به معنی فنا شدن در حق می داند.

ور گویندت بباید سوخت
تو خود ز برای سوختن باش

ور کشتن تو دهند فتوی
در کشتن خود به تاختن باش

مانند حسین بر سر دار
در کشتن و سوختن حسن باش

(دیوان اشعار/ص ۳۴۷)

انگشت زن فنای خود شو
و انگشت نمای مرد و زن باشد

(همان، ص ۲۶۱)

یار اگر سوزد و گر سازد رواست
عاشقان را این و آن یکسان بود
در طریق عاشقان خون ریختن
با حیات جاودان یکسان بود
در مصاع دوم خون ریختن یعنی شهادت یا فناه فی الله و حیات جاودان رسیدن
به مقام بقای بعد از فنا است.

به طور کلی در فرهنگ اصطلاحات اشعار عطار انا الحق یعنی فنا شدن و بردار
شدن یعنی شهادت که رسیدن به عالی ترین مرتبه مقام فناه فی الله است.
یا برو از حلقه مردان دین
در میان حلقه کفار شو
یا منادی کن انا الحق در جهان
چون انا الحق گفته شد بر دار شو
(همان/ص ۵۷۰)

از مطالبی که گفته شد به این نتیجه می رسیم که در بینش عطار صبر در عشق یعنی
مردن در راه معشوق، یعنی حماسه، یعنی فناه فی الله، یعنی شهادت.
به دلیل همین بینش عارفانه و عشق به شهادت بود که عطار همانند مقتدای
خود نجم الدین کبری قهرمانانه در مقابل بلای خانمانسوز کفار مغول پایداری و
استقامت کرد تا به شهادت رسید و با شهادت خود فنای در حق شدن را، صبر در
عشق را، و حماسه را معنی کرد. نجم الدین کبری در جواب خان مغول که به او پیغام
فرستاد ما را با شما و مریدان شما کار نیست لطف بفرمایید از شهر خارج شوید تا مبادا
نادانسته امری واقع شود گفت: «اگر شما را با ما کار نیست ما را با شما هست چون شما
را به دعا خواسته ایم و سبب این بلا دعای ما گشته موافقت ضرورت است از روی
مروت و فتوت، ما دولت غزاوت و شهادت از شما خواهیم و شما دولت اسلام از ما

خواهید گرفت». (روضات الجنان و جنات الجنان/ ج ۲، ص ۳۲۷)

اشعاری که نجم الدین کبری هنگام جنگ با کفار مغول می خوانده است و در بعضی تذکره ها نقل شده از بهترین اشعار حماسی عرفانی زیان فارسی است.

صیر و معشوق

در ادبیات عرفانی در ارتباط با معشوق یا خدا دو نوع صبر مطرح شده است که عبارت است از صبر از معشوق یا صبر عن الله و دیگر صبر در وقت تجلی معشوق یا صبر مع الله.

۱- صبر از معشوق: در بینش عرفا صبر از معشوق یا صبر از ندیدن معشوق از سخت ترین و شدیدترین نوع صبر است در کتاب اللمع ابونصر سراج آمده است. مردی از شبی پرسید: کدام صبر بر صابرین سخت تر است؟ شبی گفت: صبر فی الله. مرد گفت: نه، شبی گفت: صبر لله، مرد گفت: نه، شبی گفت: صبر مع الله، مرد گفت: نه، شبی غضبناک شد و به مرد گفت: پس چه صبری است، مرد گفت: صبر عن الله، شبی فریادی برآورد آنچنان که نزدیک بود روح از بدنش مفارقت کند (اللمع فی التصوف/ص ۵۰). و در ترجمه رساله قشریه آمده است: «صبر کردن با خدای، وفا بود و صبر کردن از خدای جفا» (رساله قشریه/ص ۲۸۳).

در بینش مبیدی آتش اشتیاق به معشوق صبر و قرار عاشق را می سوزاند و نابود می کند. وی در تفسیر آیه ۹ و ۱۰ سوره طه که خداوند خطاب به حضرت موسی(ع) می فرماید: و هل اتیک حدیث موسی اذ را نارا فقال لاهله امکثوا انی انشت نارامی گوید: «آتش ها بر تفاوت است آتش شرم و آتش شوق و آتش مهر، آتش شرم تفرق سوزد، آتش شوق صبر سوزد، آتش مهر دو گیتی سوزد تا جز از حق نماند...» (کشف الاسرار/ج ۴، ص ۱۱۲).

عطار نیز همانند دیگر عرفا صبر از معشوق را سخت ترین نوع صبر می‌داند و معتقد است عاشق بدون معشوق نمی‌تواند صبر و قرار داشته باشد وی در مصیبت نامه حکایت ذیل را که در بیشتر کتب صوفیه نقل شده و به رشتہ نظم آورده است که خلاصه آن چنین است: پادشاهی از بالای قصر خود می‌بیند که پسری جوان پیری را کتک می‌زند از او می‌پرسد: چرا این پیر را می‌زنی؟ پسر می‌گوید: او ادعای عشق مرا دارد ولی سه روز است از دیدن من صبر کرده و مرا ندیده است. شاه به جوان می‌گوید: پس باید او را بیشتر بزنی و به عذاب و شکنجه گرفتار کنی چون عاشق صادق هرگز نمی‌تواند از معشوق خود صبر کند و او را نبیند.

شاه گفتا زین بتر باید زدن	هر دم از نوعی دگر باید زدن
صبر از معشوق چون عاشق کند	کی تواند کرد تا اکنون کند
هر که بی معشوق می‌گیرد قرار	کی توان بر ضرب کردن اختصار

(مصطفیت نامه/ص ۲۶۱)

عطار صبر از معشوق را بدتر از کافری و گناهی نابخشنودنی به حساب آورده است.

نه غیر تو را با تو اثر می‌بینم	صبر از تو من هیچ دگر می‌بینم
هر لحظه مرا به صبر می‌فرمایی	صبر از تو ز کافری بتر می‌بینم
(مختار نامه/ص ۲۲۰)	

(مختار نامه/ص ۲۲۰)

دعوی صبر چون کنم که مرا	صبر کفر است یک زمان از تو
(دیوان اشعار/ص ۵۵۴)	

عطار گاهی صبر از معشوق را کاری غیر ممکن می‌داند.	از تو خود صبر چون توان کردن
گویی ام صبر کن چه می‌گویی	(همان، ص ۵۳۰)

بی لب تو دل نداشت صبر زمانی	جان به لب از حلق ناگزیر برآورد
(همان، ص ۱۶۸)	

چون نشکنید ز آب ماهی بی آب دیده ز ماه تو همچنان نشکنید
 مردم آبی چشم از آتش عشقت بی رخت از آب یک زمان نشکنید
 (همان، ص ۱۲۴)

مولانا نیز بی قراری و بی آرمی روح پر تب و تاب خود را برای پرواز به سوی
 معشوق ازلی چنین بیان می کند.

سنگ شکاف می کند در هوش لقای تو	جان پر و بال می زند در طرب هوای تو
آتش آب می شود، عقل خراب می شود	دشمن خواب می شود، دیده من برای تو
جامه صبر می درد، عقل ز خویش می رود	مردم و سنگ می خورد عشق چوازدهای تو

(غزلیات شمس/ص ۴۳۸)

۲- صبر در مقابل تجلی معشوق: بنابر اعتقاد صوفیه این نوع صبر نیز برای عاشق بسیار سخت است، رشید الدین مبیدی در تفسیر کشف الاسرار در تفسیر عرفانی آیه ۲۰۰ سوره آل عمران که خداوند می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعْلَكُمْ تَفْلِحُونَ می گوید: وَ قَيلَ اصْبِرُوا فِي اللَّهِ وَ صَابِرُوا بِاللَّهِ وَ رَابطُوا مَعَ اللَّهِ، وَ صَبَرَ فِي اللَّهِ صَبَرَ عَابِدَانَ اسْتَ در مقام خدمت بر امید ثواب، صبر بالله صبر عارفان است در مقام حرمت بر آرزوی وصال، صبر مع الله صبر محبان است در حال مشاهدت در وقت تجلی، دیده در نظاره نگران، و دل در دیده حیران، و جان از دست مهر به فغان، پیر طریقت گفت الهی همگان در فراق سوزند و محب در دیدار، چون دوست دیده ور گشت محب را با صبر و قرار چه کار؟» (کشف الاسرار/ج ۲، ص ۴۰۰) و عین القضاة می گوید: «اما صبر هم منقسم است الصبر في الله ديگر است، الصبر لله ديگر است، الصبر مع الله سخت تراز همه این صبرها باشد...» (تمهیداتعین القضاة/ص ۳۱۹).

از تعمق در اشعار عطار، مولانا، سنایی و دیگر آثار عرفانی استنباط می شود که

صبر در مقابل تجلی معشوق کاری غیر ممکن است چون وقتی خداوند تجلی کند عاشق به کلی از هستی خود فانی می‌شود و در حالت فنا و بی‌خویشتنی اراده و اختیار و عقل معزول می‌شود، بنابراین صبر صحنه دل و روح عارف را ترک می‌کند و جای خود را به ناشکیبایی و بی‌قراری می‌دهد.

عطار در این باره گوید:

آرام ز عقل حکمت اندیشیم رفت در خواب خوشم کرد و خوش از پیشم رفت	دوش آمد و صبر از دل درویشم رفت چون حیرت من بدید یک دم بنشست
(مختار نامه/ص ۲۵۳)	

و همچنین عطار گوید:

شدم از دست و برفت از دل من صبر و قرار حال من گشت چو خال رخ او تیره و تار گفت در شهر کسی نیست ز دستم هشیار	از پس پرده دل دوش بدلیدم رخ یار کار من شد چو سر زلف سیاهش درهم گفتم ای جان شدم از نرگس مست تو خراب
(دیوان اشعار/ص ۳۱۷)	

صبر کردن کار هشیاری بود	مست گشتم از تو گفتی صبر کن
(دیوان اشعار، ص ۲۶۵)	

مراز خواب برانگیخت و با شراب درآمد چو دید دیده که آن بت به صد شتاب درآمد ز زلف او به دل من هزار تاب درآمد چو ترک من ز سر بی خودی خراب درآمد	چو ترک سیمبرم صبحدم ز خواب درآمد به صد شتاب برون رفت عقل جامه به دندان چو زلف او دل پرتاب من ببرد به غارت خراب گشتم و بی خود اگر چه باده نخوردم
(همان/ص ۲۲۶)	

نتیجه

در بینش عطار، تواضع، با تمام قوای درونی و باطنی به حق اندیشیدین، سکوت کردن و صبر در مقابل تمایل نفس به سخن گفتن موجب می شود که عارف از هستی محدود خود رها شود و به هستی مطلق حق پیوند.

در بینش عطار صبر در سیر الى الله نقش اساسی و بنیادی را بر عهده دارد، زیرا استقامت و صبر در مقابل رنجها و سختیهای مبارزه و جهاد با نفس رمز و راز موفقیت در طلب و رسیدن به مطلوب است.

پایه و اساس تصوف عطار بر فقر و صبر بر آن قرار دارد. در بینش عطار فقر یعنی جهاد و جنگ با نفس و گذشتן از هستی برای رسیدن به قرب الى الله است. عطار معتقد است صبر در فقر موجب می شود هستی عارف در هستی نامحدود حق محو و فانی شود و ذات و صفات حق از جمله استغنا و بی نیازی او در وجودش تجلی کند. در بینش عطار صبر در مقابل رنجها و سختیهای عشق موجب می شود حجاب بهای مادی و نفسانی از مقابل چشم روح عارف کنار زده شد و او از طریق مکاشفه روحانی از عالم غیب و رمز و رازهای نهفته و پنهان آفرینش آگاهی یابد.

به طور کلی می توان گفت که در بینش عطار صبر رمز و راز گذشتן از ظلمات نفس و تیرگی عالم خاک و رسیدن به سرچشمه نور و بقا و جاودانگی است. در بینش عطار صبر یعنی فرو شکستن محدودیت ها و تنگناها و پیوستن به اطلاق و بی نهایت شدن است.

در بینش عطار صبر یعنی عبور از کمی ها و کاستی ها و نیل به قله بی نیازی مطلق و کمال بی انتهای است.

پی نوشت

۱- مراد امام محمد غزالی از این صفت، توانمندی انسان برای غلبه بر شهوت و خواسته‌های نفسانی است.

۲- این نوع تقسیم بندی بر اساس حدیثی است که از قول رسول اکرم (ص) در اصول کافی نقل شده است. در اصول کافی آمده است: قال رسول الله صلی الله عليه و اله الصبر ثلاثة: صبر عند المضيّ و صبر على الطاعة و صبر عن المعصيّ، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۱. همچنین مراجعه شود به احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۰۶ و تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۱۶۸. ۳- مسکنت اشاره است به حدیث: اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا و احشرنی فی زمرة المساکین.

عین القضاة نیز همانند عطار با استناد به این حدیث، مسکنت را مقام بقای بعد از فنای می داند. رجوع شود به تمهیدات، ص ۲۱.

۴- در ترجمه رساله قشیریه در مورد یقین آمده است. «بعضی گویند از پیران، یقین علمی بود از حق سبحانه و تعالی که در دل پیدا شود و سهل گوید: ابتدا یقین مکافته بود و از بهر این گفته اند بزرگان لو کشف الغطاء ما ازدست یقینا و پس از آن معاینت و مشاهدت، ابو عبد الله خفیف گوید: یقین بینا شدن سر بود به احکام غیبت» ترجمه رساله قشیریه، ص ۲۷۲.

منابع

- ۱- قرآن مجید، با تصحیح هفت نفر از علمای حوزه علمیه قم، انتشارات محمد علی علمی، افست، تهران، ۱۳۳۷.
- ۲- ابن الکربلائی.روضات الجنان و جنات الجنان، به تصحیح جعفر سلطان القرائی، ج ۲، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۹.
- ۳- حرّانی، ابو محمد حسن بن علی.تحف العقول عن آل الرسول، به تصحیح علی اکبر غفاری، مکتبه الصدقوق، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴- رازی، جمال الدین شیخ ابو الفتوح، روح الجنان و روح الجنان، جلد ۱ و ۲ و ۶ و ۸ به تصحیح و حواشی حاج میرزا ابو الحسن شعرانی، به تصحیح علی اکبر غفاری، از انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۵- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد.المفردات فی غریب القرآن، ناشر مرتضوی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲.
- ۶- سراج، ابو نصر.اللمع فی التصوّف، به تصحیح رینولد، الن، نیکلسون، لیدن، ۱۹۱۴ م.
- ۷- شریف رضی، گردآوری نهج البلاغه، به تصحیح دکتر صبحی الصالح، چاپ اول، بیروت، ۱۳۸۷ هـ ۱۹۶۷ م.
- ۸- شفیعی کدکنی، محمد رضا.گزیده غزلیات شمس، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۵.
- ۹- طوسی، نصیر الدین.او صاف الاشراف، انتشارات هدی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۰- عثمانی، ابو علی حسن بن احمد.ترجمه رساله قشیریه، به تصحیح فروزانفر، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۱- عطار نیشابوری، فرید الدین.اسرارنامه، با تصحیح و تعلیقات و حواشی، دکتر سید صادق گوهرین، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ۱۳۳۸.

- ۱۲- عطار نیشابوری، فرید الدین.الهی نامه، به تصحیح فؤاد روحانی، انتشارات کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۵۱.

۱۳- عطار نیشابوری، فرید الدین.تذکرة الاولیاء، به تصحیح دکتر محمد استعلامی، چاپ دوم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۵۶.

۱۴- عطار نیشابوری، فرید الدین.دیوان اشعار، به اهتمام و تصحیح تقی تقضی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۲.

۱۵- عطار نیشابوری، فرید الدین، مختارنامه، به تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۵.

۱۶- عطار نیشابوری، فرید الدین، مصیبت نامه، به اهتمام و تصحیح دکتر نورانی وصال، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۳۸.

۱۷- عطار نیشابوری، فرید الدین، منطق الطیر، به اهتمام و تصحیح سید صادق گوهرین، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۵.

۱۸- عین القضاة همدانی.مصنفات، جلد ۱، تمهیدات با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعليق عفیف عسیران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱.

۱۹- غزالی، ابی حامد محمد بن محمد.احیاء علوم الدین، جلد ۴، ناشر دارالهادی، بیروت-لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۲ھ، ۱۹۹۲م.

۲۰- کلینی رازی، محمد بن یعقوب.اصول کافی، جلد ۲، به اهتمام شیخ محمد آخوندی، ناشر دارالكتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۳۴.

۲۱- محمد بن منور.اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید، جلد ۱، با مقدمه و تصحیح و تعليقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۱.

۲۲- مستملی بخاری، ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد.شرح التعرّف لمذهب التصوّف، جلد ۳، با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵.

- ۲۳- مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، جلد ۳، به تصحیح رینولد.انیکلسون، به اهتمام دکتر نصر الله پور جوادی، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۲۴- میبدی، ابوالفضل رشید الدین.کشف الاسرار و عده‌الابرار، جلد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۶، ۹ به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- ۲۵- نجم الدین کبری.الی الهام الخائف من لومة اللائم، به تصحیح و توضیح دکتر توفیق سبحانی، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
- ۲۶- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان.کشف المحجوب، به تصحیح و ژوکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، انتشارات طهوری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتوال جامع علوم انسانی